

Description and Analysis of the Role of Clergy in the Preservation of Religion and Its Impact on Religious Commitment

Hossein Bostan (Najafi) 

Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute and University, Qom, Iran.
hbostan@rihu.ac.ir

Abstract

One of the religious duties of the clergy, as bearers of the faith, is the preservation of religion, which encompasses two aspects: guardianship of religion, which refers to each clergy member's duty to safeguard religion against dangers that may arise from themselves, and defense of religion, which entails protecting religion from threats and dangers posed by others. The aim of this research is to evaluate the performance of the clergy in this regard, based on the prescriptive view of Islam concerning this duty, and inspired by the SWOT analysis method. The main question of this study is: What are the capacities, opportunities, and shortcomings of the Shiite clergy in contemporary Iran in fulfilling this role, particularly in terms of its impact on the religious commitment of the people? The findings of the research indicate that alongside the inherent capacities of Islam, especially the Shiite school of thought, and the motivational capacities of the clergy, as well as the valuable structural opportunities that have emerged in recent years for the clergy, there are shortcomings in fulfilling this role that have contributed to the decline in the level of religious commitment in society. Accordingly, there are strategies for improving the performance of the clergy in this area in two main axes: guardianship of religion and defense of religion. The strategies for guardianship of religion include: promoting a culture that strengthens divine motivation, commitment, and a sense of duty among students and clergy; fostering a spirit of truth-seeking, openness to criticism, and logical dialogue, commonly known as scholarly debate, within religious seminaries; expanding the space for logical and critical dialogue by strengthening platforms for theorizing, innovation, critique, and debate, as well as free-thinking platforms in seminaries; and organizing knowledge enhancement workshops and seminars for students. The strategies for the defense of religion include: reinforcing a rational approach based on Shiite rationality; strengthening the clergy's sense of commitment and duty; placing greater emphasis on the innate aspects of Islamic teachings and laws; empowering clergy to address the issues and doubts of new generations with an emphasis on modernity, foresight, and proactive responses to emerging challenges; increasing material and spiritual support from religious leaders for educational and research centers active in various fields of Islamic knowledge by leveraging financial support from governing bodies; expanding academic relations between religious seminaries and universities to improve the quality of discussions; enhancing the use of modern communication tools to familiarize clergy with intellectual rivals of religion and equip them for more effective engagement with these rivals; expanding educational disciplines and specialized courses on ideologies, non-religious schools of thought, spiritual movements, and pseudo-mysticism; and facilitating the transfer of theological research findings to the media space to more effectively counter anti-religious propaganda.

Keywords: Clergy, Guardianship, Defense of Religion, Decline in Religious Commitment, Religious Seminaries.

Received: 2023/09/22 ; Received in revised form: 2023/11/05 ; Accepted: 2023/12/20 ; Published online: 2024/03/29

© The Author(s).


Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



توصیف و آسیب‌شناسی نقش روحانیت در حراست از دین و پیامدهای آن در مسئله دینداری^۱

حسین بستان (نجفی) 

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. hbostan@rihu.ac.ir

چکیده

یکی از وظایف شرعی روحانیان به عنوان حاملان دین، حراست از دین است که دو جنبه را شامل می‌شود: امانت‌داری در دین که ناظر به حراست هر شخص روحانی از دین در برابر خطرات و تهدیداتی بوده که ممکن است از جانب خود او متوجه دین شوند و دفاع از دین به معنای حراست از دین در برابر خطرات و تهدیداتی که از سوی دیگران متوجه دین می‌شوند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر ارزیابی عملکرد روحانیت در این زمینه و بر مبنای نگاه تجویزی اسلام به این وظیفه و با الهام‌گیری از روش «SWOT» است. سوال اصلی پژوهش این است که ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و کاستی‌های روحانیت شیعه در ایران معاصر در زمینه ایفای نقش مزبور به‌ویژه از حیث تأثیر آن بر دین‌داری مردم کدام‌اند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند در کنار ظرفیت‌های ماهوی دین اسلام به‌ویژه مکتب تشیع و ظرفیت‌های انگیزشی روحانیت و نیز فرصت‌های ساختاری ارزشمندی که در سال‌های اخیر برای روحانیت پدید آمده، کاستی‌هایی در ایفای این نقش وجود دارند که در افول سطح دین‌داری در جامعه مؤثر بوده‌اند. بر این اساس، راهکارهایی در جهت بهبود عملکرد روحانیت در این زمینه در دو محور امانت‌داری در دین و دفاع از دین وجود دارد. راهکارهای امانت‌داری در دین شامل: فرهنگ‌سازی در جهت تقویت انگیزش الهی و تعهد و احساس تکلیف طلاب و روحانیان، ترویج روحیه حقیقت‌جویی، نقدپذیری و گفت‌وگوی منطقی با به اصطلاح بحث‌طلبگی در حوزه‌های علمیه، گسترش فضای گفت‌وگوی منطقی و انتقادی از طریق تقویت کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری، نقد و مناظره و نیز کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی برای طلاب. راهکارهای دفاع از دین شامل: تقویت رویکرد عقل‌گرایانه بر مبنای عقلانیت شیعی، تقویت روحیه تعهد و احساس تکلیف در روحانیان، تأکید بیشتر بر ابعاد فطری معارف و احکام اسلامی، توانمندسازی روحانیان در زمینه پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات نسل‌های جدید با تأکید بر روزآمدی و آینده‌نگری و پیش‌دستی نسبت به چالش‌های در حال پیدایش، افزایش حمایت مادی و معنوی زعمای حوزه از مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در عرصه‌های گوناگون معارف اسلامی با بهره‌گیری از حمایت‌های مالی مراکز حاکمیتی، گسترش ارتباطات علمی حوزه و دانشگاه در جهت ارتقای کیفی مباحث، گسترش بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی در جهت آشنایی روحانیان با رقبای فکری دین و توانمندسازی آنان در زمینه حضور مؤثرتر در مواجهه با این رقبای، گسترش رشته‌ها و گرایش‌های آموزشی و دوره‌های تخصصی در زمینه ایدئولوژی‌ها و مکاتب غیرالهی و مکاتب معنویت‌گرا و عرفان‌های کاذب، تسهیل انتقال یافته‌های پژوهش‌های کلامی به فضای رسانه‌ای در جهت مقابله مؤثرتر با تبلیغات ضددینی.

کلیدواژه‌ها: روحانیت، امانت‌داری، دفاع از دین، افول دین‌داری، حوزه‌های علمیه.

۱. **پژوهش حاضر برگرفته از:** طرح پژوهشی با عنوان «طراحی مدل راهبردی تقویت دین‌مداری با تأکید بر نقش روحانیت» است.

استناد به این مقاله: بستان (نجفی)، حسین (۱۴۰۳). توصیف و آسیب‌شناسی نقش روحانیت در حراست از دین و پیامدهای آن در مسئله دینداری. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۱۸(۱)، ص ۵-۲۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



۱. مقدمه

گسترش دین‌داری و حاکمیت دین در جامعه ایران، نیازمند یک حرکت جهادی عظیم و همه‌جانبه با استفاده از همه ظرفیت‌های نهادی، مردمی و فرصت‌های ساختاری است که در این میان، مسلماً روحانیان با توجه به وظایفی که خود دین برایشان مقرر کرده، داعیه‌دار و متولی اصلی در این زمینه به‌شمار می‌آیند. براساس آیات قرآن و احادیث اهل بیت^{علیهم‌السلام} می‌توان برای علما، روحانیان و طلاب علوم دینی، در راستای گسترش دین‌داری در جامعه، دوازده وظیفه در قالب چهار نقش اصلی، یعنی فهم دین، تعلیم دین، حراست دین و اقامه دین معرفی کرد (بستان نجفی، ۱۴۰۲) که در جدول (۱) به آنها اشاره شده است.

جدول ۱. وظایف روحانیت در اسلام

نقش‌های اصلی روحانیت	وظایف روحانیت
فهم دین	طلبگی * اجتهاد
تعلیم دین	افتا * تبلیغ
حراست از دین ^۱	امانت‌داری در دین * دفاع از دین
اقامه دین	اطاعت فردی * تربیت اجتماعی * قضاوت * نظارت * ولایت * اجرای مناسک

پژوهش حاضر از میان نقش‌های مزبور، بر نقش حراستی روحانیت تمرکز دارد و می‌کوشد. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش این است که ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و کاستی‌های روحانیت در زمینه ایفای نقش حراست از دین به لحاظ تأثیری که بر دین‌داری مردم دارد، کدام‌اند و چه راهکارهایی در جهت بهبود عملکرد روحانیت در این خصوص می‌توان پیشنهاد داد؟ در مورد اهمیت و ضرورت طرح این مسئله به‌رغم بداهت نسبی آن، یادآوری این نکته کافی است که در یک نگاه کلان، آینده دین و روحانیت در کشور ما تا حدود زیاد به این مسئله پیوند خورده است؛ چراکه اگر علما و روحانیان به عنوان حاملان دین، نقش بی‌بدیل خود در حراست و پاسداری از دین را به شکل بایسته و شایسته ایفا نکنند، نه خود دین و نه سازمان متولی آن یعنی روحانیت، تاب مقاومت در برابر سیل ویرانگر و فراگیر عرفی شدن را نخواهند داشت و سرنوشتی جز زوال یا حداقل انزوا و عقب‌نشینی از صحنه‌های اجتماعی در انتظار آنها نخواهد بود. در ارتباط با پیشینه تحقیق، هرچند در سال‌های اخیر پژوهش‌های قابل‌توجهی در موضوع آسیب‌شناسی روحانیت انجام شده است، ولی این آثار یا از مبانی و چارچوب نظری اسلامی بهره نگرفته‌اند، یا مانند برخی آثار جامعه‌شناختی، رویکردی صرفاً توصیفی و غیرمداخله‌ای دارند،^۲ یا آنکه از زاویه تأثیر عملکرد روحانیت بر مسئله دین‌داری به بررسی

۱. حراست از دین، ناظر به فعالیت‌های علمی و نظری بوده و اقامه دین به معنای پیاده‌سازی و اجرای عملی دین است.

۲. برای نمونه: شجاعی‌زند، «کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت: الگویی برای بررسی»، شیعه‌شناسی، شماره ۳۸؛ همان، «روحانیت



نپرداخته‌اند.^۱ با این توضیح، وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، علاوه بر رعایت سه ویژگی یادشده یعنی ابتناء بر مبانی اسلامی، رویکرد مداخله‌ای و توجه به مسئله دین‌داری، تمرکز بر نقش خاص روحانیت در حراست از دین است.

در پژوهش حاضر با الهام‌گیری از روش سوات،^۲ تلاش شده تا گردآوری و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری چندجانبه از قرآن و احادیث، دیدگاه‌های صاحب‌نظران مباحث حوزه و روحانیت، به‌ویژه اندیشمندان حوزوی و به طور خاص امامین انقلاب و شهیدان مطهری و بهشتی، داده‌های تجربی گزارش شده در منابع موجود و همچنین تأملات عقلانی صورت گیرد. سوات، روشی برای شناسایی نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای یک سازمان است و به عنوان ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی سازمان به‌شمار می‌آید. نقاط قوت و وضعی که این روش نشان می‌دهد، معمولاً عوامل درونی هستند، ولی فرصت‌ها و تهدیدها غالباً جنبه بیرونی دارند. به هر حال، این روش برای مطالعه روحانیت به عنوان یک سازمان تناسب دارد، هرچند در این تحقیق صرفاً اصول کلی این روش و نه همه جزئیات آن به‌کار گرفته شده‌اند. نقش روحانیت در حراست از دین دارای دو جنبه است: حراست هر شخص روحانی از دین در برابر خطراتی که ممکن است از جانب خود او متوجه دین شود، و حراست اشخاص روحانی از دین در برابر خطرات و تهدیداتی که از سوی دیگران متوجه دین می‌شوند، خواه آن دیگران، از روحانیان یا غیرروحانیان باشند.

۲. روحانیت و امانت‌داری در دین

۲-۱. ابعاد امانت‌داری در دین

امانت‌داری در دین از وظایف مهم روحانیان است که ابعادی مانند ترک افترا بر خدا و پیامبر و امام، پرهیز از افتنا بدون علم، پرهیز از تفسیر به رأی، بدعت‌گریزی، ترک غلو و التقاط‌گریزی را شامل می‌شود. در ذیل، اشاره‌ای به مستندات قرآنی و حدیثی هر یک از این ابعاد می‌شود. حرمت مطلق دروغ و افترا از امور مسلم است، ولی در خصوص دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به دلیل آثار مخرب که بر دینداری مردم دارد، در آیات و روایات به طور ویژه تأکید شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آن کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند؛ بهره‌ای [اندک] در دنیا دارند، سپس بازگشتشان به سوی ماست؛

و موقعیت جدید»، شیعه‌شناسی، شماره ۲۷، ۱۳۸۸؛ شریعتی مزینانی و سلیمانی، «بررسی جامعه‌شناختی بوروکراتیزاسیون حوزه

علمیه قم با رویکرد وبری (فرآیندها، چالش‌ها و موانع)»، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱.

۱. برای نمونه: مطهری، «روحانیت؛ خاکبان، جامعه‌شناسی روحانیت ایران معاصر»؛ عیسی‌نیا، «درآمدی بر الزامات تحول در حوزه علمیه، روحانیت، تهدیدها و فرصت‌ها»؛ عبدالکریمی، «آینده روحانیت و جهان معاصر»؛ فراتی، «روحانیت و سیاست: مسائل و پیامدها».

2. swot

آنگاه به سبب کفرشان عذاب سخت را به آنان می‌چشانیم» (یونس، ۶۹-۷۰). همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «دروغ بستن به خدا و پیامبرش از گناهان کبیره است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۴۸)؛ همچنین ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «کسی که در موضوعی به ما دروغ ببندد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دروغ بسته و کسی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دروغ ببندد، به خدا دروغ ببندد، خدای متعال او را عذاب خواهد کرد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۴۸). روشن است که از مصادیق مسلم دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، دروغ بستن به آنان در مقام بیان فتوا یا تبلیغ دین است.

افتا بدون علم، یکی از مصادیق «نسبت دادن چیزی به خدا از روی ناآگاهی» است که در برخی از آیات و روایات بر حرمت آن تأکید شده است. برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «بگو: پروردگارم فقط کارهای زشت را - چه آشکار باشد و چه پنهان - و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و اینکه چیزی را شریک خدا سازید، که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید» (اعراف، ۳۳). همچنین امام محمدباقر علیه السلام برحسب روایتی معتبر به طور خاص به حرمت افتا بدون علم تصریح دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲). بر این اساس، افرادی که محل مراجعات علمی قرار می‌گیرند، تنها در صورتی مجاز به اصدار فتوا هستند که هم به طور کلی دارای صلاحیت علمی افتا و به تعبیر مشهور، مجتهد جامع‌الشرایط باشند و هم در مسئله خاص مورد سؤال، از روی علم به آن فتوا دست یافته باشند، به این معنا که براساس اصول صحیح استنباط و با استفاده از روش‌های معتبر، از حکم شرعی آگاهی یافته باشند؛ زیرا منظور از علم در این آیه و روایات، معنای وسیعی است که هرگونه حجت شرعی را شامل می‌شود.

در نتیجه، ادله حرمت افتا بدون علم دو گروه را شامل می‌شوند: نخست، افرادی که بدون داشتن شرایط اجتهاد، دست به افتا می‌زنند و دوم، کسانی که در مقام افتا قرار می‌گیرند و بر پایه اصول نامعتبر در مکتب اهل بیت علیهم السلام مانند قیاس و استحسان، فتوا صادر می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان در این بحث به سایر شواهد قرآنی و حدیثی حرمت عمل به قیاس و استحسان و مانند آن نیز استناد کرد (همان، ص ۵۶-۵۸)، همچنانکه می‌توان به ادله حرمت تفسیر به رأی (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۵۱۲) و نیز ادله حرمت افتا بر طبق رأی شخصی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۸) استشهاد نمود. بدعت‌گریزی یکی دیگر از ابعاد امانت‌داری در دین است. بدعت در لغت از ریشه «بدع» به معنای نوآور و نوآورانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، مدخل «بدع») و در اصطلاح دینی به معنای آن است که چیزی که جزء دین و شریعت نیست، جزء دین و شریعت قلمداد شود، امری که علمای اسلام بر حرمت آن اجماع دارند، بلکه برخی حرمت آن را از ضروریات دین شمرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹). بنابراین، منظور از بدعت، مطلق نوآوری نیست؛ زیرا همانگونه که شهید مطهری گوشزد کرده، نوآوری در غیر امر دین، مثلاً در امور هنری، شعری، فلسفی یا علمی و حتی اجتهاد در دین، نه تنها اشکال ندارد، بلکه کمال است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۴۴؛ ج ۱۶،



ص ۱۰۲). از شواهد حرمت بدعت، روایتی از رسول خدا ﷺ است که می‌فرماید: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است» (حَرَّ عَامِلِي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۲). همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی در تفسیر آیه «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (توبه، ۳۱)، پیروی بنی اسرائیل از عالمان یهود را که حلال و حرام الهی را تغییر می‌دادند، به منزله پرستش عالمان به جای خدا قلمداد کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳)، که به طور التزامی بر حرمت عمل خود عالمان دلالت دارد. بر این اساس، عالمان دین باید تقوای در افتا را در بالاترین سطح رعایت کنند تا در نتیجه، فتوای آنان موجب تحلیل حرام یا تحریم حلال نشود، همچنانکه اکثریت آنان در طول تاریخ اسلام چنین بوده‌اند.

حرمت غلو به عنوان یکی دیگر از ابعاد امانت‌داری در دین، از تکالیف عام و همگانی است، ولی علما و روحانیان به سبب ممارست بیشتر با مطالعه متون دینی، بیش از دیگران در معرض ابتلا به این گناه هستند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب، در دین خود به ناحق غلو [و اغراق] نکنید» (مانده، ۷۷) و همین مضمون در آیه ۱۷۱ سوره نساء نیز تکرار شده است. همچنین در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «یا علی، تو و شیعیانت و دوستداران شیعیانت در بهشت جای دارند و دشمنان تو و کسانی که در محبت تو غلو می‌کنند، در دوزخ‌اند» (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۸۱). در نهایت، حرمت التقاط در دین به حرمت تحریف دین بازمی‌گردد که دلایل فراوان عقلی و نقلی بر آن وجود دارد. از نظر عقلی، جواز تحریف دین مستلزم نقض غرض الهی در ارسال رسولان و منافی حکمت خداوند حکیم است و از نظر نقلی می‌توان آیات متعددی را یادآور شد که بر نکوهش و تهدید تحریف‌کنندگان کتب آسمانی دلالت دارند (بقره، ۷۵؛ نساء، ۴۶؛ مانده، ۱۳، ۴۱). با این حال، مشکلی که در این زمینه وجود دارد، دشواری ارائه تعریفی دقیق از التقاط است که از اختلاف مبانی فلسفی دیدگاه‌های مختلف اسلام‌شناسی به‌ویژه درباره مسائل بنیادینی مانند نسبت عقل و دین و جایگاه عقل و عرفان و تجربه در معرفت دینی نشأت می‌گیرد و نتیجه آن، گاه باعث می‌شود حتی پرآوازه‌ترین اندیشمندان مسلمان نیز از اتهام التقاط‌گرایی از سوی رقیبان فکری مصون نمانند. بنابراین، به ناچار در این بحث بدون ورود به مباحث مبنایی، صرفاً تعریفی از التقاط به عنوان پیش‌فرض مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد مقوم اصلی مفهوم التقاط، فقدان اصالت و خلوص است.^۱ با بهره‌گیری از عبارات‌های شهید مطهری می‌توان التقاط را برگرفتن قسمت‌هایی از فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های غیراسلامی و کشیدن روکشی از اسلام بر روی آنها دانست (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۴، ص ۷۵). از این منظر، آنچه در دوران شکوفایی تمدن اسلامی رخ داد، التقاط

۱. ویژگی‌های دیگری مانند فقدان انسجام منطقی اجزاء، فقدان اصول محوری و ثابت، اشتغال بر مفاهیم، اصول و اندیشه‌های ناهمگون و گاه متعارض که برخی برای مکاتب التقاطی برشمرده‌اند (اکبری جدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴)، ویژگی‌هایی عام هستند که نمی‌توان آنها را از مختصات التقاط قلمداد کرد.

نبود، بلکه این تمدن مانند هر تمدن دیگری از تمدن‌های دیگر جهان تغذیه کرد، به این معنا که آنها را در خود هضم نمود و به شکل خودش درآورد و روح خودش را به آنها داد (همان، ص ۲۲۱). در دوران معاصر نیز برای اینکه نهضت ما در مسیر اسلامی حرکت کند، ما باید فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی، فلسفه اقتصادی، فلسفه دین و فلسفه الهی خود اسلام را که از متن تعلیمات اسلام الهام می‌گیرد، تدوین کنیم و در اختیار افراد خودمان قرار دهیم (همان، ص ۷۵). این وظیفه‌ای دوعبدی است که مخاطبان خاص آن عالمان دین اند، یعنی از سویی باید ذیل عنوان اجتهاد به استنباط معارف اسلام در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه فلسفه‌های مضاف پردازند و از سوی دیگر باید ذیل عنوان امانت‌داری در دین، از هرگونه استنباط التقاطی بپرهیزند.

۲-۲. ظرفیت‌ها و فرصت‌های امانت‌داری در دین

مفهوم ظرفیت به توانمندی‌های درونی اشاره دارد، خواه جنبه بالقوه داشته باشند، یا به فعلیت رسیده باشند. در مقابل، مفهوم فرصت ناظر به امکانات بیرونی و ساختاری است. مهم‌ترین ظرفیت روحانیان در زمینه پاسداری از امانت دین، برخوردار بودن آنان از انگیزش الهی قوی و احساس تکلیف نیرومند و داشتن روحیه تعهد و تبعیت است که به آنان در برابر خطاهایی مانند افترا بر خدا و رسول، التقاط، افتادگی و بدعت و غلو، تا حدود زیاد مصونیت می‌بخشد. طلاب علوم دینی از ابتدای ورود به حوزه‌ها و در خلال فرآیند جامعه‌پذیری به تدریج مفاهیم، ارزش‌ها و احکامی را فرامی‌گیرند و در خود درونی می‌سازند که نتیجه آنها شکل‌گیری روحیه تعهد و تسلیم است. برای نمونه می‌توان به مفاهیمی همچون «شاگرد مکتب امام صادق (ع)»، «سرباز امام زمان (عج)» و «ارتزاق از سهم امام» و همچنین احکامی مانند حرمت مؤکد افترا بر خدا و پیامبر، افتادگی و بدعت اشاره کرد.

ظرفیت مهم دیگری که علما و روحانیان از آن برخوردارند، روحیه حقیقت‌جویی و نقدپذیری و فضای گفت‌وگوی منطقی یا به اصطلاح، «بحث‌طلبگی» است که همواره بستر مناسبی برای تضارب آراء در حوزه‌های علمیه و در نتیجه، شکوفا شدن اندیشه‌های استوار و به محقق رفتن افکار باطل و انحرافی فراهم کرده است. در منابعی که سیره علمای شیعه را بازگو می‌کنند، نمونه‌های فراوانی یافت می‌شود که در آنها عالمی برجسته و نامدار پس از آنکه در خلال بحث علمی به این تشخیص می‌رسد که حق با طرف مقابل است، از ادعای خود دست برمی‌دارد و در برابر سخن طرف مقابل تسلیم می‌شود. به عنوان نمونه، فیض کاشانی درباره یک مسئله علمی با ملاخلیل قزوینی مناظره و مباحثه کردند ... بالآخره قزوینی، فیض را تخطئه کرده، رأی خود را صحیح دانست. از قضا چند روز بعد متوجه شد که سخن فیض صحیح بوده و خودش اشتباه می‌کرده است. از این‌رو برای عذرخواهی از قزوین پیاده به کاشان آمد و وقتی به در منزل او رسید، از بیرون منزل فریاد برآورد: «یا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسَىءُ». پس از دیدار و سلام و تعارفات معموله



به فیض گفت: در آن مسئله حق با شما بوده و من اشتباه می‌کردم. این را گفت و به طرف قزوین به راه افتاد و هرچه فیض اصرار کرد چند لحظه‌ای استراحت نمایید، قبول نکرد و فرمود: من فقط برای اعلام اشتباه خودم این راه طولانی را طی کردم و منظوری جز این نداشتم (مختاری، ۱۳۷۴، ص ۳۱۹).

گفتنی است این روحیه حقیقت‌جویی و فضای گفت‌وگویی انتقادی، سابقه‌ای بسیار طولانی در حوزه‌های علمیه دارد. با وجود این، فرصت ارزشمندی در سال‌های اخیر و پس از تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری در حوزه‌های علمیه ایجاد شده و به تدریج در حال گسترش است و آن، حمایت رسمی و سازمانی از این امر در قالب تأسیس کمیسیون کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری و نقد در حوزه علمیه قم و تشکیل کمیته‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه سراسر کشور است، فرصتی که به روحانیان کمک می‌کند تا در انجام وظیفه امانت‌داری در دین ثابت‌قدم بمانند و کمتر دچار لغزش و انحراف شوند. در همین ارتباط باید به فرصتی غیررسمی اشاره کرد که در سایه گسترش رسانه‌های نوین در حوزه‌های علمیه پدید آمده است. امروزه سرعت انتقال و انتشار محتواها در فضای مجازی بسیار بالا بوده و دیگر متصور نیست که مانند گذشته‌ها چنانچه اندیشه‌ای ناسازگار با مبانی دینی در محیط حوزه‌های علمیه طرح شود، مدت‌ها در فضاهای بین‌الذله‌ای محدود مانند دست‌نوشته‌ها یا روابط استاد و شاگردی باقی بماند، بلکه به سرعت در سطح وسیع منتشر شده و با واکنش‌های انتقادی شدید روبه‌رو می‌شود که جنبه کنترلی این امر چندان پوشیده نیست؛ زیرا موجب می‌شود علما و روحانیان در طرح اندیشه‌های خود احتیاط بیشتری به خرج دهند.

۳-۲. کاستی‌های روحانیت در امانت‌داری در دین

کوتاهی علما و روحانیان در پاسداشت امانت دین، چنانکه گذشت، می‌تواند در اشکالی همچون افترا بستن به خدا و پیامبر و امام، افتا بدون علم، تفسیر به رأی، بدعت، غلو و التقاط نمود یابد. مفهوم امانت‌داری در دین را به دو صورت می‌توان معنا کرد. بنابر صورت نخست که امانت‌داری در دین به معنای ترک خیانت در دین است، مفاهیم یادشده را باید به مثابه مصادیق خیانت در دین در نظر گرفت و با توجه به دخالت قصد و عمد در مفهوم خیانت، نسبت دادن هر یک از این امور به فرد یا افرادی از روحانیان، بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا صدق واقعی این عناوین یا صدق آنها از نگاه دیگران، برای نسبت دادن آنها کفایت نمی‌کند، بلکه چنین نسبتی منوط به احراز عمدی یا شبه‌عمدی بودن ارتکاب این امور به قصد خیانت است که اولاً به ندرت می‌توان آن را احراز کرد و ثانیاً به ندرت قابل اثبات برای دیگران است. از این‌رو در حالت عادی نمی‌توان هیچ فرد روحانی را به سبب ترک این وظیفه مورد خطاب و عتاب قرار داد. اما بنابر صورت دوم، صدق مفهوم امانت‌داری در دین، منوط به قصد نیست، بلکه تابع این است که مفاهیم مزبور در واقعیت ترک شوند و در نتیجه، باید آنها را به طور مستقل یعنی با قطع نظر از مفهوم قصدی خیانت در دین ملاحظه کرد. در این صورت، هر کس این امکان را پیدا خواهد کرد که از منظر خودش یکی از این امور، مثلاً افتا بدون علم یا

تفسیر به رأی یا بدعت یا التقاط را به شخص دیگری نسبت دهد. با این حال، از آنجا که شخص مورد اتهام نوعاً این نسبت را نمی‌پذیرد، با نزاع‌های بی‌سرانجامی مواجه خواهیم شد که تشخیص مصداق را تقریباً ناممکن می‌سازند. البته این نکته مستلزم نسبی‌اندیشی نیست و در نتیجه، موجب آن نمی‌شود که اگر عالمی برحسب تشخیص خود یکی از خطاهای یادشده را از دیگری مشاهده کرد، به وظیفه خود در مقابله با آن عمل نکند، ولی روشن است که این مقابله از باب وظیفه دفاع از دین بوده که موضوع بحث بعدی است. بر این اساس، به جای اطاله سخن درباره ترک وظیفه امانت‌داری در دین از سوی علما که بنا بر هر دو معنا با مشکل روبه‌رو می‌شود، اهداف مورد نظر از این بحث در محور دنبال می‌شود.

۳. روحانیت و دفاع از دین

۳-۱. ابعاد دفاع از دین

وظیفه روحانیان در دفاع از دین اگر به معنای عام گرفته شود، با عناوینی مانند افتا و تبلیغ و امانت‌داری در دین همپوشانی دارد، اما در این بحث، معنایی خاص‌تر مورد نظر است و آن، محافظت و حراست از دین در برابر هجمه‌های اعتقادی و ارزشی است که از سوی مخالفان دینی یا مذهبی متوجه دین می‌شود. همچنین نقد و تصحیح دیدگاه‌های مخدوش صاحب‌نظران مدافع اندیشه اسلامی اعم از غیرروحانیان و روحانیان را باید ذیل وظیفه دفاع از دین تعریف کرد؛ زیرا این دسته از صاحب‌نظران هرچند خود انگیزه تبیین و تفسیر دین یا دفاع از دین را در سر دارند، گاه به دلیل تسلط نداشتن بر مبانی اندیشه اسلامی دچار برداشت‌هایی نادرست یا ناقص می‌شوند که با توجه به جایگاه علمی و اجتماعی‌شان، می‌تواند برای معرفت دینی عموم افرادی که در معرض اندیشه‌های آنان قرار دارند، آسیب‌زا باشد. از شواهد ثبوت این وظیفه برعهده روحانیان، این سخن رسول خدا^ﷺ است که می‌فرماید: «آنگاه که بدعت‌ها در امت‌نمایان شدند، عالم باید علم خود را آشکار کند؛ پس کسی که چنین نکند، لعنت خدا بر او باد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴). در روایت دیگری از امام صادق^ﷺ نقل شده است که فرمود: «علمای شیعه، نگهبانان مرز حائل در برابر شیطان و لشکر اوی هستند که آنان را و دشمنان اهل بیت^ﷺ را از یورش بر ضعفای شیعه و سلطه بر آنان باز می‌دارند؛ پس بدانید هر کس از شیعیان ما که متصدی این امر شود، فضیلت او یک میلیون برابر بیش از کسی خواهد بود که با [کافران] رومی و ترک و خزری به جهاد می‌پردازد؛ زیرا او از دین دوستداران ما دفاع می‌کند، در حالی که دفاع مجاهد از تن آنان است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷).

۳-۲. ظرفیت‌ها و فرصت‌های دفاع از دین

مهم‌ترین ظرفیت‌های دفاع از دین که روحانیت از آنها برخوردار است، عبارتند از: رویکرد عقل‌گرایانه عالمان شیعه، اعتقاد به جامعیت و فرازمانی بودن آموزه‌های اسلامی و نیز روحیه نیرومند تعهد و احساس تکلیف که



در بحث امانت‌داری در دین به آن اشاره شد. همچنین فطرت‌گرایی برآمده از فطری بودن معارف و احکام اسلامی، ظرفیت مهم دیگری است که همواره علمای مسلمان را در دفاع از دین توانمند ساخته و موجب ورود موفق و باصلابت آنان در عرصه‌های گوناگون منازعات فلسفی و کلامی شده است. علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» در موارد متعددی بر فطری بودن دین الهی و معارف آن تأکید کرده و این امر را موجب پذیرش معارف دینی از سوی انسان‌های برخوردار از فطرت پاک دانسته است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۸۳؛ ج ۱۸، ص ۳۵). از سوی دیگر، حساسیت و اهتمام ویژه زعمای حوزه به مسئله دفاع از دین در کنار حمایت مالی دولت از حوزه‌های علمیه، موجب گسترش بی‌سابقه مراکز آموزشی و پژوهشی در قلمروهای گوناگون معارف اسلامی و جذب تعداد زیادی از طلاب و روحانیان به این مراکز در سال‌های اخیر شده است. ثمره مهم این مراکز، تربیت هزاران طلبه دانش‌آموخته در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اسلامی است که بخش عمده‌ای از فعالیت آنان چه در حیطه تبلیغ و چه در حیطه تحقیق و تدریس، با رویکرد دفاع از دین صورت می‌گیرد. در نتیجه آشنایی عمیق این روحانیان با مکاتب فکری و ایدئولوژی‌های جدید به‌ویژه از طریق مبادلات و مباحثات علمی حوزه و دانشگاه، فرصت گران‌بهرائی برای روحانیت شیعه فراهم آمده است تا بتوانند در صحنه نبرد اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها، با اقتدار از موضع دین دفاع کنند. بی‌گمان، ابزارهای نوین ارتباطی نیز هم از جهت فراهم کردن زمینه آشنایی روحانیان با رقبای فکری دین و هم از جهت توانمندسازی آنان در زمینه حضور مؤثرتر در مواجهه با این رقبا، نقش انکارناپذیری ایفا کرده‌اند.

۳-۳. کاستی‌های روحانیت در دفاع از دین

روحانیان با قصور یا تقصیر یا به‌کارگیری شیوه‌های نادرست در ایفای وظیفه دفاع از دین از قبیل دفاع غیر منطقی و سب و لعن مخالفان و یا طرد هم‌مسلمانان به‌ویژه دانشگاهیانی که در فعالیت‌ها و اظهار نظرهای دینی خود گاه دچار خطاهایی می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۴۹؛ بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۷)، افزون بر فعال ساختن بسیاری از عوامل فردی مؤثر در افول دین‌داری، زمینه آسیب‌های دینی مهمی در سطح اجتماعی از جمله رویگردانی از اهل بیت علیهم‌السلام، گسترش بدعت، غلو، تحریف دین، آموزش اندیشه‌های باطل، گسترش عرفان‌های کاذب و تغییر دین و مذهب، به‌ویژه با نقش آفرینی افراد صاحب نفوذ و تبلیغات ضدّ دینی را فراهم می‌کنند، آسیب‌هایی که هر کدام سهمی در افول دین‌داری در جامعه دارند. درباره رویگردانی از اهل بیت علیهم‌السلام با در نظر گرفتن ابعاد چندگانه این عامل می‌توان گفت: هرچند طی دهه‌های اخیر، نشانه‌های متعددی از افزایش عشق و ارادت ایرانیان به اهل بیت علیهم‌السلام را شاهد بوده‌ایم و حداقل کاهش معناداری در این زمینه مشاهده نمی‌شود، با این حال، نسبت به ابعاد دیگر این عامل، به‌ویژه بی‌توجهی به نقش علمی، معرفتی و هدایت‌گری آن بزرگواران، جای نگرانی وجود دارد؛ زیرا به نظر می‌رسد میزان تحقق آرمان‌ها و آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی واقعی پیروان ایشان بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد. امروزه سبک زندگی اکثریت ایرانیان

در ابعاد مختلف خانوادگی، روابط خویشاوندی، روابط زن و مرد، کسب‌وکار، تفریحات و غیره فاصله بسیار معناداری با الگوهای مطلوب اهل بیت علیهم‌السلام دارد که نتیجه آن، تقویت دوگانه مشهور «شیعه - مُحب» در ادبیات مبلغان دینی و بلکه در فرهنگ عمومی بوده است. این فاصله هرچند معلول عوامل متعددی است، ولی بی‌شک، یکی از این عوامل، ضعف عملکرد روحانیان در دفاع از دین، به دلیل بازماندن آنان از همراهی با تحولات سریع اجتماعی است.

بدعت در همه موارد لزوماً به افول دین‌داری منجر نمی‌شود و چه بسا نسبت به کسانی که از آن پیروی می‌کنند، حتی اثر تقویت‌کنندگی برای دین‌داری داشته باشد، ولی قطعاً در مواردی به تحریف و نهایتاً تضعیف دین می‌انجامد. البته بدعت‌های ادعایی که علمای وهابی بر پایه مبانی نادرست کلامی یا فقهی، شیعیان را به آنها متهم می‌کنند (مانند فتوا به وجوب سجده روی مهر در نماز و استحباب زیارت قبور معصومان علیهم‌السلام و جشن گرفتن در اعیاد مذهبی و شهادت دادن به ولایت امام علی علیه‌السلام در اذان)، از محل بحث کنونی خارج بوده و سخن عمدتاً راجع به بدعت‌هایی است که از سوی برخی روحانیان نسبتاً صاحب نفوذ، خواه در طیف سنتی و خواه در طیف روشنفکر ابراز می‌شود و جریان غالب در میان علمای شیعه، آنها را به عنوان بدعت در دین قلمداد می‌کند. متأسفانه در سال‌های اخیر مواردی را شاهد بوده‌ایم که اظهارنظرهای بدعت‌آمیز اینگونه افراد، موجب تغییر نگرش عده‌ای از مردم نسبت به باورها و ارزش‌های دینی شده و دستاویزی برای هنجارشکنی در سطح جامعه فراهم کرده است که یکی از نمونه‌های بارز آن، انکار قرائت رسمی حجاب شرعی از سوی برخی روحانیان به اصطلاح نواندیش است. از این گذشته، بدعت‌های عامیانه در مراسم عزاداری و نذورات مذهبی و مانند آن را که از متن فرهنگ جامعه برمی‌خیزند و مقابله شایسته‌ای با آنها از سوی روحانیان صورت نمی‌گیرد، نباید نادیده گرفت. در این زمینه، می‌توان برخی رفتارهای غلط که رهبر معظم انقلاب صریحاً تعبیر بدعت را درباره آنها به کار برده‌اند، مانند قمه‌زنی، قفل زدن به بدن و سینه‌خیز رفتن در حرم امامان معصوم علیهم‌السلام (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۳/۱۷) و همچنین غلتاندن بدن برهنه بر روی خرده‌های شیشه را به عنوان نمونه یادآور شد.

غلو نیز مانند بدعت لزوماً عامل افول دین‌داری نیست، ولی در مواردی ظرفیت تحریف و تضعیف دین را دارد، به‌ویژه در زمان‌هایی که باورهای غلوآمیز جاذبه خود را در نظر پیروان از دست می‌دهند، یا اساساً زمینه پذیرش از سوی بخشی از مردم را نداشته باشند. گفتنی است در این موضوع نیز با اتهامات نادرستی راجع به غلو شیعیان نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام روبه‌رو هستیم که برخاسته از مبانی نادرست کلامی‌اند. به‌علاوه، بررسی تاریخی نشان می‌دهد که حتی خود شیعیان نیز فهم ثابت و یکسانی از موضوع غلو نداشته‌اند و امروزه با گردآوری و تدوین مجموعه‌های حدیثی که موجب دسترسی آسان به همه سخنان و سیره اهل بیت علیهم‌السلام شده است، برخی اعتقادات در میان شیعیان فراگیر شده‌اند که روزگاری اعتقاد به آنها را غلو می‌دانستند یا حداقل



درباره غلو بودن یا نبودن آنها اختلافات جدی با یکدیگر داشته‌اند. با این حال، حقانیت نفس‌آوری این اعتقادات به هیچ وجه تضمین نمی‌کند که افرادی اطلاع از مبانی و ادله کلامی، با شنیدن چنین مطالبی معتقدان را به غلو متهم نکنند و در نتیجه، خود دچار تردید و بی‌اعتقادی نشوند. از این رو نباید وظیفه روحانیان را صرفاً مبارزه با مصادیق واقعی غلو مانند باورهای فرقه علی‌اللهی بدانیم تا در نتیجه، دامنه این بحث محدود شود، بلکه آنان نسبت به مصادیق ادعایی یا مشتبه غلو نیز وظیفه دارند و نباید هر مطلبی را در هر جایی و برای هر مخاطبی و بدون استدلال کافی مطرح کنند. برای نمونه، طرح مباحثی در زمینه ولایت تکوینی و کرامات ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بدون استدلال و اقعاسازی کافی از سوی عالمان و مبلغان دینی، تصور غلوآمیز بودن را برای بخشی از مخاطبان ایجاد کرده و در دین‌داری آنها اثر منفی به جا خواهد گذاشت.

ناتوانی روحانیت از مواجهه پر قدرت و اثرگذار با ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های باطل مانند لیبرالیسم، سکولاریسم، فمینیسم، پسامدرنیسم و تجربه‌گرایی افراطی که بر مبانی الحادی، لادری‌گرایانه، تکثرگرایانه و نسبی‌گرایانه استوارند، به گسترش آموزش و اشاعه این ایدئولوژی‌ها منجر شده و در نتیجه، زمینه افول دین‌داری در میان قشر تحصیل‌کرده را فراهم کرده است. این ایدئولوژی‌ها عمدتاً از طریق نظام آموزش عالی کشور و به واسطه تحصیل‌کردگان به حوزه‌های دیگر اجتماعی از جمله اقتصاد، سیاست، حقوق و هنر و به اقشار دیگر جامعه سرایت کرده و نگرش‌های دینی را به چالش کشیده‌اند. برای نمونه می‌توان به اندیشه جدایی دین از سیاست اشاره کرد که به‌رغم مقابله شدید و مستمر امام خمینی با آن و همسویی شماری از روشنفکران پیش از انقلاب با ایشان، به تدریج پس از رحلت آن بزرگوار شاهد شرح و بسط مجدد این اندیشه از سوی عده‌ای از روشنفکران در قالب ادعاهایی از این دست بوده‌ایم که دین جوهره معنوی دارد و حضور روحانیان در مراکز قدرت، غیرموجه و آسیب‌زا است (منصورنژاد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۷۱). همچنین آن دسته از آموزه‌ها و تعابیر دینی مغایر با تجربه‌گرایی افراطی که به آثار معنوی یا اخروی اعمال نیک و بد انسان مانند نورانیت یا قساوت قلب، محبت یا خشم الهی و نعمت‌های بهشت یا آتش دوزخ و نیز آثار تکوینی و غیرحسی برخی گناهان مانند خشکسالی ناشی از ترک زکات و گسترش مرگ‌های ناگهانی در اثر گسترش زنا اشاره دارند، در گفتمان عمومی مردم به‌ویژه نسل جوان روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شوند. از این گذشته، نقش آفرینی کم‌مایه روحانیت در زمینه عرفان دینی، منجر به گسترش عرفان‌های کاذب و گروه‌های معنویت‌گرای دین‌گریز در کشور در سال‌های اخیر شده است. اگرچه آمار دقیقی از میزان این گروه‌ها در دست نیست، ولی تنوع زیاد عناوین آنها از جمله شیطان‌پرستی، پانولوکویلیلو، حلقه کیهانی، کیش راجنیش اُشو، کیش ساتیاسای بابا، اکنکار، کاستاندا، راتیلین، کلیسای شیطان، مهربابا، سیک‌ها، فالون دافا، ریکی، تی‌ام، مانی، ایلینا، خوزه سیلوا، بهرام الهی، یوگا، ذن، فنگ شویی، عرفان حلقه، پال تونیچل و غیره که طبق

نظر برخی کارشناسان، ۵۰ مورد^۱ و بنا بر اعلام وزارت اطلاعات، بالغ بر ۱۳۰ مورد بوده است^۲ و نیز گستره فعالیت آنها (برای نمونه، تیراژ چندصد هزاری آثار پائولو کوئیلو که در برخی سال‌ها جزء پرفروش‌ترین کتاب‌ها در ایران بوده است^۳)، بیانگر وجود نیازهای معنوی ارضاء نشده‌ای در مخاطبان است که روحانیت شیعه به دلیل پیشینه و پشتوانه عرفانی بی‌نظیر، شایسته‌ترین گزینه در تأمین این نیازها بوده، ولی متأسفانه به سبب عدم حضور فعال در این زمینه، توفیق لازم را کسب نکرده است.

در خصوص فرقه‌گرایی مذهبی نیز گذشته از اینکه پیوند قطعی با افول دین‌داری ندارد و صرفاً با وجود برخی شرایط به آن منجر می‌شود، روشن است که این عامل، به عنوان پدیده‌ای تاریخی که از دوران صدر اسلام شکل گرفت و ریشه‌های عمیق اعتقادی و عاطفی داشت، امری فراتر از قدرت و اختیارات افراد بود و به‌مثابه جبری تاریخی، خود را بر همگان حتی اهل‌بیت پیامبر^ص تحمیل کرد. از این‌رو، اگر واقع‌بینانه بنگریم، توقعی که از روحانیت شیعه در این زمینه همواره بوده و هست، نه از میان بردن فرقه‌گرایی، بلکه ترویج صحیح مکتب اهل‌بیت^ع و دفاع قدرتمند از حریم تشیع است، به گونه‌ای که تا حد مقدور به جذب غیرشیعیان به این مکتب و حداقل به حفظ پیروان آن منجر شود و این وظیفه‌ای است که روحانیت، کارنامه‌ای قابل قبول و بلکه ستودنی در انجام آن از خود به نمایش گذاشته است. با این حال، برخی شواهد از گرایش عده‌ای از پیروان مکتب تشیع به تغییر دین و مذهب و مثلاً گرایش به مسیحیت^۴ یا وهابیت (داوودی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵) در سال‌های اخیر حکایت دارند، که این امر بیانگر برخی کاستی‌ها در ایفای این وظیفه از سوی روحانیت است.

بی‌گمان، عده‌ای افراد صاحب نفوذ و اغلب دارای تحصیلات حوزوی یا دانشگاهی، در سایه عدم حضور فعال روحانیت اصیل، نقش مهمی در آسیب‌های دینی یادشده ایفا کرده‌اند، نقشی که گاه در قالب اقدامات غیرعامدانه و گاه به صورت عامدانه و با هدف تضعیف باورها و ارزش‌های دینی بروز یافته است. برای نمونه می‌توان به روشنفکران اشاره کرد که در یک نگاه کلی، دو گروه روشنفکران لائیک و روشنفکران دینی را در برمی‌گیرند. گروه نخست هرچند دامنه نفوذ گسترده‌ای در میان عموم مردم ندارند، در سطحی محدودتر بر مخاطبان خود به‌ویژه قشر دانشگاهی اثر گذاشته و از طریق ترویج ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های دین‌ستیزانه یا دین‌گریزانه، نقش قابل توجهی در افول دین‌داری ایفا می‌کنند. در مقابل، روشنفکران دینی که مقبولیت اجتماعی بیشتری در دوره جمهوری اسلامی داشته‌اند، به‌رغم تلاش اولیه برای به‌صحنه‌آوری و

۱. «وجود ۵۰ فرقه عرفان کاذب در ایران/ برخی نقدهای سست باعث ترویج این فرقه‌ها می‌شود» (۱۳۹۱/۵/۷)

۲. «مکتب نوپدید در کمین مخاطب ناامید از «اوشو» و «سای‌بابا» تا «حلقه» و «ایلیا»، (۱۳۹۵/۱/۲۵)

۳. «پائولو کوئیلو و علل گسترش آثار او در ایران»، (۱۳۹۲/۳/۱)

۴. «نگاهی به ترویج و گسترش مسیحیت و سایر ادیان در ایران؛ ریشه‌یابی یک تغییر گرایش»، (۱۳۹۸/۲/۱۶)



جلوگیری از حاشیه‌روی دین از طریق تطبیق دادن آن با اوضاع و شرایط دائماً نوسونده، از آنجا که در این تطبیق، اصالت را به تحولات ناشی از مدرنیته داده و هرگونه انعطاف و نرمش و چرخش را از دین مطالبه کرده‌اند، در نهایت ناگزیر شده‌اند دین را از نقش‌آفرینی اجتماعی خلع کنند و آن را به عرصه خصوصی و خلوت اشخاص برانند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۷، ص ۱۹). اسلام رحمانی، دین حداقلی، فقه‌زدایی از دین، تفکیک دین و ایمان و پلورالیسم دینی، بخشی از نظریه‌های روشنفکرانه‌ای هستند که نقش مؤثری در افول دین‌داری در سال‌های اخیر داشته‌اند.

آنچه عمق این آسیب را بیش از پیش نمایان می‌کند، آن است که دامنه این بحث از روشنفکران اصطلاحی فراتر رفته و به برخی افراد کم‌مایه و از جمله برخی طلاب کم‌سواد گسترش یافته است، افرادی که با طرح مباحث مغایر با اندیشه‌های اصیل دینی در قالب‌های عامه‌پسند، به جذب مخاطبان در فضاهای حقیقی و دنبال‌کننده‌های فراوان در فضای مجازی می‌پردازند. امروزه بخش مهمی از وظیفه روحانیت در حراست از دین، متوجه مقابله با تبلیغات ضددینی است. تبلیغات ضددینی را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، تبلیغاتی که رسماً با هدف ضدیت با دین صورت می‌گیرند و تمامیت دین را آماج حمله قرار می‌دهند؛ دوم، تبلیغاتی که بدون حمل تابلوی ضدیت با دین، در پوشش عناوینی مانند نواندیشی و اصلاح‌طلبی دینی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم ارزش‌ها و احکام دین را مورد تردید یا انکار قرار می‌دهند که به نظر می‌رسد دسته دوم، سهم بیشتری در افول دین‌داری در ایران داشته‌اند. به هر حال، در سال‌های اخیر با افزایش بی‌سابقه تبلیغات ضددینی در فضاهای مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای، کتاب‌ها، مجلات و حتی روزنامه‌های رسمی کشور روبه‌رو بوده‌ایم، ضمن آنکه پژوهش‌های تجربی، تأثیر این عامل بر افول دین‌داری را کم‌وبیش تأیید کرده‌اند (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۳؛ بختیاری، ۱۳۹۰)، و این خود بیانگر وجود کاستی‌هایی در انجام وظیفه حراستی روحانیت است.

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر بر مبنای دیدگاه تجویزی اسلام به وظیفه حراست از دین که بر عهده عالمان دین قرار گرفته است، ظرفیت‌ها و فرصت‌های انجام این وظیفه از حیث آثار مثبت آن، و کاستی‌های آن از حیث آثار منفی‌اش بر دین‌داری مردم بررسی شدند. براساس مباحث قبلی، راهکارهایی در جهت بهبود عملکرد روحانیت در زمینه ایفای نقش حراست از دین در دو محور امانت‌داری در دین و دفاع از دین ارائه خواهند شد، راهکارهایی که تقویت دین‌داری در جامعه را تا حدود زیاد تضمین خواهند کرد.

در زمینه امانت‌داری در دین می‌توان راهکارهای ذیل را پیشنهاد داد:

- فرهنگ‌سازی در جهت تقویت انگیزش الهی و تعهد و احساس تکلیف طلاب و روحانیان با برجسته‌سازی مفاهیمی همچون شاگردان مکتب امام صادق^ع، سربازان امام زمان^ع و ارتزاق از سهم امام،

و نیز احکامی مانند حرمت افترا بر خدا و رسول ﷺ، افترا بدون علم، تفسیر به رأی و بدعت و مسئولیت شرعی عالمان در برابر جاهلان.

- ترویج روحیه حقیقت‌جویی، نقدپذیری و گفت‌وگوی منطقی یا به اصطلاح، بحث‌طلبگی در حوزه‌های علمیه.

- گسترش فضای گفت‌وگوی منطقی و انتقادی از طریق تقویت کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری، نقد و مناظره و نیز کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه.

- برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی برای طلاب در زمینه‌های آشنایی با مفاهیم اساسی از قبیل افترا بر خدا و پیامبر و امام، افترا بدون علم، تفسیر به رأی، بدعت، غلو و التقاط.

- اتخاذ تدابیر علمی و سازمانی در جهت کاهش زمینه‌های شکل‌گیری آسیب‌های یادشده.

در زمینه دفاع از دین نیز راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شوند:

- تقویت رویکرد عقل‌گرایانه بر مبنای عقلانیت شیعی.

- تقویت روحیه تعهد و احساس تکلیف در روحانیان.

- تأکید بیشتر بر ابعاد فطری معارف و احکام اسلامی.

- توانمندسازی روحانیان در زمینه پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات نسل‌های جدید با تأکید بر روزآمدی و بلکه آینده‌نگری و پیش‌دستی نسبت به چالش‌های در حال پیدایش.

- افزایش حمایت مادی و معنوی زعمای حوزه از مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در عرصه‌های گوناگون معارف اسلامی با بهره‌گیری از حمایت‌های مالی مراکز حاکمیتی.

- گسترش ارتباطات علمی حوزه و دانشگاه در جهت ارتقای کیفی مباحث.

- گسترش بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی در جهت آشنایی روحانیان با رقبای فکری دین و توانمندسازی آنان در زمینه حضور مؤثرتر در مواجهه با این رقبا.

- گسترش رشته‌ها و گرایش‌های آموزشی و دوره‌های تخصصی در زمینه ایدئولوژی‌ها و مکاتب غیرالهی از جمله اومانیزم، سکولاریسم، پوزیتیویسم، ساینتیسم، اگزیستانسیالیسم، فمینیسم و پسامدرنیسم، و نیز مکاتب معنویت‌گرا و عرفان‌های کاذب.

- تسهیل انتقال یافته‌های پژوهش‌های کلامی به فضای رسانه‌ای در جهت مقابله مؤثرتر با تبلیغات ضددینی.



منابع

قرآن کریم.

ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق). مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
اکبری جدی، صابر (۱۳۹۳). تبارشناسی جریان التقاط در مطالعات تفسیری معاصر ایران. مطالعات تفسیری، شماره ۱۷، ص ۵۶-۱۲۹.

بختیاری، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی (ماهواره، رادیو، تلویزیون، روزنامه، اینترنت و ویدئو) و دین‌داری با تأکید بر مصرف رادیو و تلویزیون (مطالعه موردی شهر قم). دین و رسانه، ۹(۳) ص ۶۴-۸۴.
بستان نجفی، حسین (۱۴۰۲). روحانیت و دین‌مداری در ایران (طراحی مدل راهبردی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ و معاونت پژوهشی حوزه‌های علمیه.

بهشتی، سید محمد (۱۳۸۶). ولایت، رهبری، روحانیت. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
پائولو کونلیو و علل گسترش آثار او در ایران. ۱۳۹۲/۳/۱. قابل دسترس در:

<http://www.rajanews.com/news/140988>

حاجی‌زاده میمنندی، مسعود (۱۳۹۳). رابطه میان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و دین‌داری در بین شهروندان شهرستان یزد. دین و رسانه، ۹(۷) ص ۹-۳۰.

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ج ۱۲، ۲۷، ۱۶.
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۳/۳/۱۷). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2718>

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
داوودی، علیرضا (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی تغییر مذهب در استان خوزستان. مطالعات راهبردی، ۲۳(۸۸)، ص ۱۵۵-۱۸۰.
راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴ق). مفردات غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.

شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۷). نقش روشنفکری دینی در عرفی‌شدن: منع یا تسهیل. راهبرد فرهنگ، شماره ۴، ص ۷-۲۳.
طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱۳، ۱۸.
طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۰.
مختاری، رضا (۱۳۷۴). سیمای فرزانه‌گان. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا، ج ۳، ۱۶، ۲۴.
مکاتب نوپدید در کمین مخاطب ناامید/ از «اوشو» و «سای‌بابا» تا «حلقه» و «ایلیا». ۱۳۹۵/۱/۲۵. قابل دسترس در:

<http://www.rasanews.ir/mobile/mobiledetail/News/324906/41>

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان. در: همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان، به کوشش محمدرضا ضمیری و علی باقری‌فر، زیر نظر حسن خیری. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲.

نراقی، احمد (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
نگاهی به ترویج و گسترش مسیحیت و سایر ادیان در ایران؛ ریشه‌یابی یک تغییر گرایش. ۱۳۹۸/۲/۱۶. قابل دسترس در:

<https://www.toseirani.ir>

وجود ۵۰ فرقه عرفان کاذب در ایران/ برخی نقدهای سست باعث ترویج این فرقه‌ها می‌شود. ۱۳۹۱/۵/۷. قابل دسترس در:

<http://www.hawzah.net/fa/News/View/93290>